

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴

رشته انسانی

مرحله اول

پایه یازدهم

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
جامعه‌شناسی (۲)	درس ۱ و ۲ صفحه ۱ تا ۱۸	۲	۷	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده‌مهر محمدحسین غلامی

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۴



درس ۱ یازدهم: جهان فرهنگی

پرسش‌های اساسی هر فرهنگ

● هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.

این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می‌کنند.

پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- ۱) هستی‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»
 - ۲) انسان‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»
 - ۳) معرفت‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»
- پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی → جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد.

جهان انسانی

● مجموعه پدیده‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیتشان، جهان می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است.

جهان انسانی

- محصول زندگی انسان است.
- هر چه با اندیشه و عمل انسان‌ها پدید آید، مربوط به این جهان است.
- در برابر جهان تکوینی قرار می‌گیرد.

جهان انسانی به دو بخش تقسیم می‌شود:

- فردی (ذهنی) → به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها و هم‌چنین دانسته‌ها، تجربیات و خلقیات ویژه هر فرد، به این بخش تعلق دارد.
- اجتماعی (فرهنگی) → زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. این بخش هویت فرهنگی دارد.

فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود، محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

ارتباط بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی -

دربارۀ موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود قرار دارد.

وقتی فردی اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند؛ برای مثال کتابی می‌نویسد، مجسمه‌ای می‌سازد و یا به دیگری مهر می‌ورزد، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

تناسب و هماهنگی بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی -

● بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد:

«هر فرهنگی، نوعی خاص از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز می‌دهد.»

جهان فرهنگی

جهان ذهنی

«هر نوع عقیده و اخلاقی، فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.»



جهان تکوینی

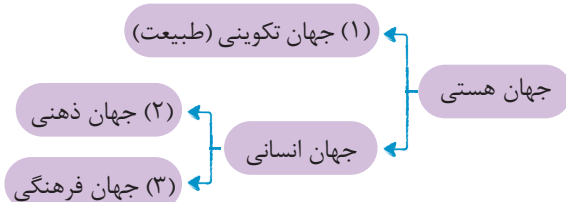
● دانستیم که به مجموعه پدیده‌های انسانی، جهان انسانی می‌گویند، اما همه پدیده‌هایی که در جهان هستی وجود دارند، محصول زندگی انسان‌ها نیستند؛ بنابراین در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام **جهان تکوینی** وجود دارد.

← شامل پدیده‌هایی است که وجود آن‌ها، مستقل از خواست و اراده انسان است.
← پیش از انسان هم وجود داشته است.

جهان تکوینی

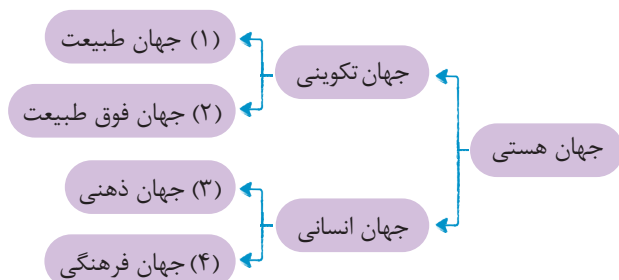
متفکران مادی گرا:

- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند.
 - طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند.
 - جهان انسانی را به دو بخش ذهنی و فرهنگی تقسیم می‌کنند.
- نتیجه: از وجود سه جهان سخن می‌گویند:



متفکران مسلمان:

- جهان تکوینی را به طبیعت محدود نمی‌دانند.
 - جهان طبیعت را بخشی از جهان تکوینی می‌دانند.
 - جهان تکوینی را به دو بخش طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
- نتیجه: از وجود چهار جهان سخن می‌گویند:



تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

● در ارتباط با تعامل جهان‌های مختلف، سه دیدگاه وجود دارد:

<p>براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت، مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ، هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها، نظیر علوم طبیعی است.</p> <p>● طرفداران این دیدگاه، بین علوم طبیعی و علوم انسانی، تفاوتی قائل نیستند ← نتیجه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌شود.</p>	<p>دیدگاه اول (طبیعت‌گرایان)</p>
<p>● این گروه، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.</p> <p>جهان ذهنی و فردی افراد، تابع فرهنگ آن‌هاست.</p> <p>در این دیدگاه جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع در آن دخیل و تصرف می‌کنند.</p> <p>جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.</p>	<p>دیدگاه دوم (فرهنگ‌گرایان)</p>
<p>● براساس این دیدگاه، جهان‌های فرهنگی، ذهنی و تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.</p> <p>جهان تکوینی محدود به طبیعت نیست.</p> <p>ادراک و آگاهی به انسان منحصر نمی‌شود.</p> <p>جهان تکوینی براساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.</p> <p>از نگاه قرآن</p> <ul style="list-style-type: none"> جامعه و فرهنگ و جهان فردی اشخاص، هر دو مهم هستند. مثلاً قرآن، بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ تأکید می‌کند. مثلاً قرآن، از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. هرگاه <ul style="list-style-type: none"> انسان، اخلاق الهی داشته باشد؛ جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی جامعه، فرهنگ توحیدی داشته باشد؛ آن‌ها می‌گشایند. افراد و جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند؛ زمین و آسمان از تعامل سازنده با آن‌ها، سر باز می‌زنند. ظرفیت‌های الهی و آسمانی، از انسان‌ها پنهان می‌ماند. 	<p>دیدگاه سوم (دیدگاه قرآن و متفکران مسلمان)</p>

نکته

برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را به‌طور کامل شکوفا کند. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغلال و سلاسل» می‌نامند. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

درس ۲ یازدهم: فرهنگ جهانی

● فرهنگ‌های مختلف (و هم‌چنین برخی عناصر فرهنگی)، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.

- در زمانی واحد، در سرزمین متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.
- برخی فرهنگ‌ها در مناطقی محدود شکل می‌گیرند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند، ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. (فرهنگ جهانی)
- در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند.
- عمر برخی فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است.

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

● فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع، به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.

- تعریف: فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.
- فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود عبور نمی‌کنند.
- مربوط به قوم و منطقه خاصی است
- در صورتی که نسبت به سایر اقوام و مناطق، نگاهی سلطه‌جویانه داشته باشند، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر می‌روند.

گونه نخست فرهنگ جهانی:

- فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن، متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاه سلطه‌جویانه دارد.
- چنین فرهنگی، با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و پیرامونی تقسیم می‌کند؛ منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

- فرهنگ صهیونیسم: آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را به خدمت می‌گیرد.
- فرهنگ سرمایه‌داری: کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.
- فرهنگ سلطه یا استکبار: تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند.
- مدینه تغلب، جهان‌گشایی، امپریالیسم، استعمار: (در درس آینده با این فرهنگ‌ها آشنا می‌شویم).

گونه دوم فرهنگ جهانی:

- فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه یا قوم خاصی نیست؛ بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

- فرهنگ حق: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن، مطابق نیازهای فطری است. (فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق است، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد).
- فرهنگ اسلام: (در درس ۴ با آن آشنا می‌شویم).



فرهنگ جهانی مطلوب، چه ویژگی‌هایی دارد؟

- عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی، باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود.
- فرهنگ جهانی، باید دارای ۶ ویژگی باشد:





سطح اول عقلانیت:

● فرهنگ جهانی باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان‌ها و جهان (مانند پرسش از معنای زندگی و مرگ) پاسخ دهد.

← اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد ← توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

سطح دوم عقلانیت:

● فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر (مانند پیرشدن جمعیت یا بحران‌های زیست‌محیطی) را داشته باشد.

عقلانیت ← فرهنگ جهانی، باید در دو سطح، عقلانیت داشته باشد.

نکته

تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها نیست. قبول تفاوت‌ها و محترم‌شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزهٔ شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد.